



حمیدرضا اشراقی

کارشناس ارشد حقوق عمومی از دانشگاه تهران

طول تاریخ بشر، توسعه و رشد همواره در سایه حداقلی از «امنیت» فراهم آمده است و انسان‌ها در سایه «امنیت» به پیشرفت‌ها، نوآوری‌ها و اختراعات دست یافته‌اند، اما علی‌رغم توجه به اهمیت زیاد مفهوم «امنیت» در حیات بشر، قدر آن به اندازه لازم و کافی در جوامع مختلف شناخته نشده است و در بسیاری از موارد، به بهانه‌های واهی «مسأله امنیت»، در ابعاد مختلف نادیده گرفته شده است. در حالی که «امنیت» و «احساس امنیت در میان شهروندان»، می‌تواند به پتانسیلی تبدیل شده که باعث شود افراد یک جامعه، بدون داشتن دغدغه‌های ناشی از «عدم امنیت» به رشد و شکوفایی و توسعه نایل آیند.

بدون تردید می‌توان اعتقاد داشت که «امنیت» در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی پیش شرط و پیش نیاز «توسعه همه جانبه» در کشور است؛ در این مختصر تلاش می‌کنیم تنها به اهمیت «امنیت قضایی» در کشور بپردازیم و سایر جنبه‌های «امنیت» را به مقال دیگری وامی‌گذاریم.

در باره «امنیت قضایی»

به طور کلی «امنیت» همواره از دغدغه‌های اساسی فیلسوفان و دانشمندان کلاسیک و مدرن بوده است. مفهوم «امنیت» در

«امنیت» در همه‌ی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی پیش شرط و پیش نیاز «توسعه همه جانبه» در کشور است. در این مختصر ما بر آنیم تنها به اهمیت «امنیت قضایی» در کشور بپردازیم.

«امنیت قضایی»، حقوقی اساسی در هر کشوری است که طی دوره‌های اخیر در بسیاری از قوانین اساسی کشورها گنجانده شده است. اساساً «امنیت قضایی»، هم‌زمان با رشد مکانیسم‌ها و ساختارهای قضایی در دوران جدید، معنا و مفهوم جدیدی یافته است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز «امنیت قضایی» طی اصول متعددی به رسمیت شناخته شده و به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان تلقی گردیده است. اما تفسیرها و برداشت‌ها از «امنیت قضایی»، همواره گوناگون بوده است. برخی با تلفیق «امنیت قضایی» - که یک مفهوم حقوقی است - با «احساس امنیت قضایی» - که بیشتر جنبه جامعه‌شناسی دارد - مانع ایجاد درکی صحیح از این مفهوم شده‌اند.

به طور کلی «امنیت» در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و قضایی از مفاهیم با ارزش در حیات اجتماعی است. در

ادبیات حقوقی و سیاسی حاکم و گفتمان های هر عصری، فراز و نشیب های خاص خود را داشته است. گر چه در دوران کلاسیک و سنتی، در اندیشه سیاسی و حقوقی بشر، «امنیت» بیشتر در مقابل «دیگری» تعریف می شد و ناظر به محیط بیرونی ناظر بود، ولی در دوران جدید، «امنیت» بیشتر در میان مفاهیم داخلی و ملی قابل تعریف است.

برای نمونه «امنیت سیاسی» به عنوان حق تعیین سرنوشت و آزادی در مشارکت حیات سیاسی تعریف می شود که ناشی از برداشت جدید از «امنیت»، در ادبیات حقوقی و سیاسی معاصر است.

در آموزه های اسلامی نیز «امنیت» یکی از نیازها و ضرورت های

اساسی و حیاتی برای جامعه دانسته شده است، به طوری که امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید:

«النعم فی الدنیا الا من صحه الجسم و تمام النعمه فی الاخره دخول الجنة»^(۱) آسودگی و خوشی در دنیا به دو چیز است یکی امن و امنیت و دیگری سلامتی جسم و بدن و تمام نعمت ها. در آخرت هم به ورود در بهشت الهی است.

در تاریخ اندیشه سیاسی و حقوقی بشر نیز مفهوم «امنیت» به طور کلی و عام مورد توجه بوده است؛ از افلاطون و ارسطو گرفته تا اندیشمندان سیاسی و حقوقی معاصر، همگی به نوعی به مفهوم «امنیت» توجه داشته اند. اما «امنیت» و مسأله «امنیت قضایی» به معنای امروزی آن بیشتر پس از تولد دولت-ملت های مدرن

و کار ویژه حقوقی دولت های مدرن در برابر «ملت» تفسیر شده است؛ از این رو «امنیت قضایی» کاربرد دو گانه ای دارد؛ از یک سو به کار ویژه ها و وظایف دولت در برابر «ملت» اشاره دارد و معتقد است دستگاه حاکم باید شرایط ایجاد «امنیت قضایی» را به عنوان یکی از شئون کلی امنیت در جامعه فراهم سازد و شهروندان بتوانند از «عدالت در قضاوت و رسیدگی قضایی» برخوردار باشند و از سوی دیگر، شهروندان نسبت به اجرای اقدامات خارج از حیطه قانون امنیت داشته باشند.

با این نگاه به «امنیت قضایی»، نوعی «مصونیت قضایی» شهروندان مطرح می شود که آنان را از هر گونه تجاوز و تعرضی نظیر قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه های روحی و جسمی و

سایر مجازات های غیر قانونی و به تعبیر دیگر، هر عملی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست؛ نظیر فحشا، بهره کشی و ... که بر اساس موازین، منطقی و قانونی نباشد، در امان می دارد.^(۲)

از این رو «دستگاه قضایی» کشور، یکی از نهادهای مهم و اساسی در «امنیت قضایی» به شمار می آید؛ زیرا رسیدگی به دعاوی و اجرای عدالت در کشور موجب می شود که شهروندان احساس آرامش و امنیت داشته باشند. با توجه به این نگاه به امنیت قضایی، برخی امنیت را فراغت بالی می دانند که در پرتو آن، آدمی بدون واهمه از تعرض و تهاجم قدرت های افراد یا حکومت ها، می تواند به حیات مدنی خود ادامه دهند. در حقیقت امکان استفاده سالم از «اقتدار قانونی» و «قضایی» برای دفع و رفع تهاجم فردی و اجتماعی، شکل دهنده «امنیت قضایی» است.^(۳)

«امنیت قضایی» نوعی اطمینان و تضمینی است که دولت ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هر گونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد می کنند تا شهروندان در سایه این امنیت بتوانند فعالیت های فردی و اجتماعی خود را در چارچوب «قانون» به انجام برسانند.

«امنیت قضایی» با «اجرای قانونی» رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا اجرای صحیح و مداوم قانون در جامعه، مستلزم وجود «امنیت قضایی» است و فرض تعدی و تجاوز به قانون، نهادی باید این حالت را به نظم و ثبات اولیه بازگرداند؛ از این رو، امنیت قضایی پیش نیاز «اجرای قانون» است و از سوی دیگر نیز «امنیت قضایی» در سایه ی اجرای صحیح قانون از سوی حکومت و مردم در جامعه به وجود می آید.

امنیت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«قانون اساسی» به عنوان منشور ملی که تلاش کرده است حقوق متقابل شهروندان و حاکمان را تدوین نماید، طی اصول متفاوتی «امنیت قضایی» را مطرح نموده است. مقدمه ی اجرای «امنیت قضایی» در کشور، «امنیت فردی» است که در سایه تدوین، اجرا و نظارت صحیح قانون در دستگاه قانون گذاری، اجرایی و قضایی کشور تحقق می یابد.

«امنیت فردی» به عنوان حوزه احترام به حقوق شهروندان از متون فقهی اسلامی منبعث شده است. در آن جا که فقه و حقوق اسلامی، احترام به حیثیت، جان، مال و ناموس شهروندان را از

«امنیت قضایی» مفهومی است که بیشتر متوجه «نهاد و دستگاه قضایی» است و مؤلفه های امنیت قضایی در مواجبه با سافکار، وظایف و عملکرد دستگاه قضایی به دست می آید؛ از این رو «امنیت قضایی» یکی از مفوق شهروندان بر دولت و دستگاه حکومت تلقی می شود

مسائل اساسی و مهم دانسته و در دستورات و هنجارهای اخلاقی به عنوان ضمانت اجرای مضاعف، بر آن تأکید نموده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از دستورات اسلامی و فقه و حقوق اسلامی، اهمیت زیادی برای «امنیت فردی» و «امنیت قضایی» قائل شده است. در اصل (۲۱) قانون اساسی به صراحت آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می کند.»^(۴)

قانون اساسی در این اصل، به حقوق اساسی و حیاتی افراد و شهروندان جامعه تأکید می کند؛ در عین حال برای حفظ همین حقوق و آزادی های تصریح شده، در چارچوب «قانون» محدودیت هایی را مجاز می شمارد؛ محدودیت های ناشی از تجاوز و تعدی از قانون که برای تأمین امنیت فردی در نظر گرفته شده و سبب می شود در صورت عدم احترام به قانون و تعدی و تجاوز به آن، نهاد قضایی بتواند در چارچوب قانون این حقوق اساسی را برای متجاوزان به قانون محدود سازد.

از این رو اصل (۲۲) قانون اساسی نیز تأکید کرده است: «هیچ کس رانمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند.» قانون، هم موارد دستگیری مجرمان یا متهمان را تعیین کرده است و هم ترکیب دستگیری آنان را مشخص نموده است؛ از این رو، نهاد قضایی تنها در چارچوب قانون می تواند برخی از حقوق و آزادی های فردی را به نام حفظ «امنیت» یا «آزادی» محدود سازد.

هم چنین قانون اساسی در مورد نحوه ی برخورد با متهمان و مجرمان نیز مسأله رعایت احترام و حقوق فردی را مورد توجه قرار داده است و رعایت «حقوق مجرمان و متهمان» را نیز لازم شمرده است؛ در اصل (۳۸) قانون اساسی مقرر شده: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است؛ اجبار در این اصل از قانون اساسی شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» تلاش کرده شده است که هر گونه احقاق حق، رسیدگی قضایی و مجازات در چارچوب قانون تعریف و تبیین شود تا اهتمام قانون اساسی و اجرای صحیح و کامل آن در کشور، موجب تأمین امنیت فردی و قضایی گردد.

صراحت قانون گذار در مورد حقوق متهمان و مجرمان، در اصل (۳۹) بیشتر است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» در موارد دیگری نیز قانون گذار مصونیت هایی را برای حفظ و تأمین «امنیت فردی و اجتماعی» افراد بر شمرده است که در جای خود قابل بحث و بررسی است.

«امنیت قضایی» همزاد «امنیت فردی» است که یکی از حقوق مسلم و اساسی شهروندان است و به نوعی مکمل و ملازم آن به شمار می آید. امنیت فردی حقی است که رعایت آن برای تمام شهروندان و دستگاه حاکم لازم دانسته شده است و زیر پا گذاشتن آن تخلف از قانون به حساب می آید و مجرمان مطابق قانون مجازات می شوند. اما «امنیت قضایی» مفهومی است که بیشتر متوجه «نهاد و دستگاه قضایی» است و مؤلفه های امنیت قضایی در مواجهه با ساختار، وظایف و عملکرد دستگاه قضایی به دست می آیند؛ از این رو «امنیت قضایی» یکی از حقوق شهروندان بر دولت و دستگاه حکومت تلقی می شود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این وظیفه به «نهاد قضایی» محول شده است.



شهروندان با مشاهده موارد و جزئیات برهمورد دستگاه قضایی با بی قانونی و ناهنجاری های عمومی، به این ادارات و اطمینان دست می یابند که این دستگاه های و پشتیبان حقوق مردم است؛ از این رو، به اطمینان و ادراکی دست می یابند که می توان آن را «مساس امنیت» نامید.

امنیت قضایی و قوه قضاییه قانون اساسی در بند "۱۴" اصل سوم دولت (به معنای کلیت آن به عنوان هیأت حاکمه) را موظف نموده، برای نیل به اهداف عالی خود، که در اصل دوم به تشریح بیان کرده است، همه امکانات خود را برای «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد، و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» به کار گیرد؛ از این رو، در اصل (۱۵۶)، تشکیل قوه قضاییه را این گونه تبیین و مقرر نموده است: «قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می کند؛
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

به طور کلی تحقق عدالت در هر جامعه، منوط به تحقق دو امر لازم و حتمی است:

الف) حق دادخواهی: یعنی کسی که مورد ظلم واقع می شود، حق و توان دادخواهی و مراجعه به مراجع صلاحیت دار را داشته باشد تا با استمداد از آن ها بتواند حقوق از دست رفته خود را باز پس گرفته و متجاوزین و ظالمین به حقوق دیگران نیز به سزای اعمال خود برسند.

ب) آزادی دفاع: برای جلوگیری از اعمال نفوذ احتمالی در مراحل دادرسی با تبیین واضح و روشن حقوق از دست رفته متظلم و رعایت انصاف و عدالت، به همه کسانی که علیه آنان دعوایی اقامه و طرح می شود، این حق و اجازه داده می شود که بتوانند آزادانه از خود دفاع کنند و حتی چنان چه کسی شخصاً قادر به دفاع از خود نباشد، وکیل مورد نظر را انتخاب نماید و مهم تر این که به موجب اصل ۱۶۶ و ۱۷۶، قضات مکلف هستند اولاً بر اساس قوانین مدونه، به کلیه دعوای رسیدگی نموده و حق امتناع از حل و فصل خصومت و دعوای راندارند؛ ثانیاً، باید احکام دادگاه ها مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر می کنند.^(۵)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تضمین «امنیت قضایی» شهروندان و افراد جامعه، اصولی را تدوین نموده است که در قالب رعایت آن ها توسط دستگاه قضایی، حفظ و حمایت از حقوق افراد تحقق پذیرد؛ اصولی چون اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و حکم به اجرای مجازات از طریق مراجع قانونی و اصل علنی بودن محاکمات، مگر در شرایط خاص و اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی و ... که در تضمین «امنیت قضایی» شهروندان نقش مؤثری دارند. در همین راستا نهاد قضایی به عنوان دستگاه اجرایی عدالت، باید اصول و قوانین را که در حمایت و حفاظت از حقوق شهروندان است به کار گیرد تا این که «امنیت قضایی» در بعد اجرای قانون و نظارت بر آن، به شکل صحیح تحقق یابد.

در کنار تدوین قوانین و اجرای صحیح آن در قوه قضاییه، برای تضمین «امنیت قضایی»، «استقلال دستگاه قضایی» نیز یکی از پیش شرط های مهم تحقق آن است؛ زیرا در صورتی که دستگاه قضایی در ابعاد مختلف، استقلال لازم را نداشته باشد، نمی تواند رسالت های محوله در قانون اساسی را به نحو کامل اجرا کند؛ از

این رو نباید انتظار داشت که «امنیت قضایی» برای شهروندان جامعه تضمین شده است.

سخن آخر، امنیت

یا احساس امنیت قضایی؟

در مقوله «آزادی» و «احساس آزادی»، سخن های زیادی گفته شده است. ممکن است در جامعه ای آزادی به معنای واقعی آن وجود نداشته باشد، ولی شهروندان آن جامعه «احساس آزادی» داشته باشند و خود اعتراف کنند که در یک جامعه آزاد زندگی می نمایند و برعکس، ممکن است در جامعه ای آزادی به معنای واقعی تحقق یافته باشد و همه ابزارهای قانونی برای تحقق آزادی وجود داشته باشد ولی در اثر تبلیغات یا عوامل خارجی، «احساس آزادی» وجود نداشته باشد و شهروندان احساس کنند که در یک محیطی بسته و خفقان آور زندگی می کنند.

همین مسأله درباره «امنیت» و «احساس امنیت» نیز صادق است. «احساس امنیت» بیش از هر چیز یک ادراک و اطمینان مربوط به روان شناسی اجتماعی است. شهروندان با مشاهده موارد و جزئیات بر خورد دستگاه قضایی با بی قانونی و ناهنجاری های عمومی، به این ادراک و اطمینان دست می یابند که این دستگاه حامی و پشتیبان حقوق مردم است؛ از این رو، به اطمینان و ادراکی دست می یابند که می توان آن را «احساس امنیت» نامید. گر چه پیش نیاز «احساس امنیت» تحقق «امنیت» است ولی لزوماً «تحقق امنیت» احساس امنیت را به دنبال نمی آورد؛ نحوه انعکاس و بازتاب قضایی حقوقی در کشور، نقش عوامل بیرون از دستگاه قضایی و ... تعیین «امنیت و احساس امنیت» را بادشواری مواجه می سازد.

در هر حال، تدوین و اجرای صحیح قانون اساسی به عنوان منشور ملی، و نظارت بر اجرای آن در دستگاه قضایی می تواند در تحقق «امنیت قضایی» نقش اساسی داشته باشد و در سایه آن، شهروندان به یکی از حقوق اساسی و مشروع خود در قانون اساسی نایل آیند.

پی نوشت ها:

- ۱) بحار الانوار، جلد ۸۱، ص ۱۷۲.
- ۲) شعبان، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹.
- ۳) پرواز، سیاوش، امنیت قضایی و آسیب شناسی آن در ایران، مجله وکالت، شماره ۹، ص ۶.
- ۴) اشرفی، مجتبی، مجموعه قوانین اساسی و مدنی، تهران، کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۷۶.
- ۵) شعبان، قاسم، همان، ص ۱۲۱.